خراسان رضوی

صفحه آخر

شنبه
۱۹ فروردین ۱۳۹۶
۱۰ رجب ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۳۵

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

اگر آسمان ها و زمین راه را بر بنده ای ببندند و او تقوای الهی پیشه کند، خداوند حتما راه گشایشی برای او فراهم خواهد کرد و از جایی که گمان ندارد روزی اش خواهد داد.

عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۴۱۶، ح ۷۰۶۸

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
اگر مستم و اگر دیوانه ام، از مقیمان این آستانه ام
آشنایی با خود ده که از کائنات بیگانه ام
الهی
تا به تو آشنا شدم، از خلق جدا شدم
در دو جهان شیدا شدم، نهان بودم و پیدا شدم
نه از توحیات جاودان می خواهم
نه عیش و تنعم جهان می خواهم
نه کام دل و راحت جان می خواهم
هر چیز رضای توست آن می خواهم

شاعران خراسان قدیم

مولانا

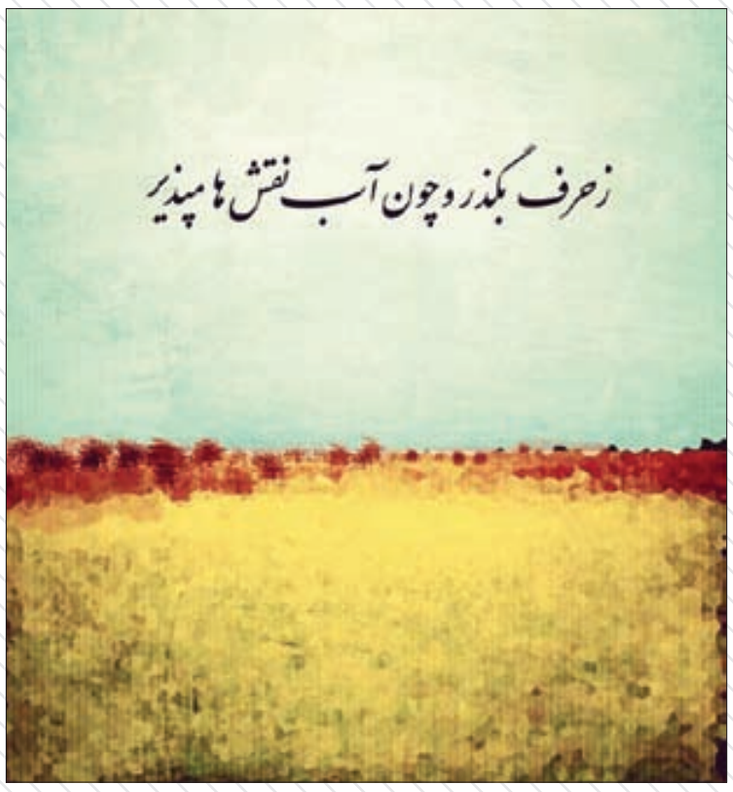

خراسان به روایت خراسان

۱۹ فروردین ۱۳۳۳

مرگ در قبرستان

۶۲ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:

مشهد؛ خبرنگار خراسان- دیروز فردی به نام حاجی محمدطاهر، پس از استحمام به قصد زیارت اهل قبور به محل باغ رضوان می رود و در حالی که مشغول خواندن فاتحه بوده، به زمین افتاده و فوت می کند.

جنازه به پزشکی قانونی حمل و مراتب به دادسرا اعلام شد. علت مرگ سکته قلبی اعلام گردید و جنازه برای دفن به بستگان متوفی تحویل داده شد.

زن و فرزند «محمدعلی» زیر آوار مردند

مشهد؛ خبرنگار خراسان- مقارن ساعت نیم بعد از نیمه شب به کلانتری بخش ۳ اطلاع می دهند که سقف اتاقی واقع در کاروانسرای حاجی شایگی خراب و چند نفر زیر آوار مانده اند. فوراً از طرف کلانتری عده ای مأمور به محل اعزام و در نتیجه اقداماتی که به عمل آورده اند، محمدعلی، فرزند علی، اهل رشتخوار و عیال و دو فرزند آنها موسوم به غلامرضا و زهرا که در اتاق داخل کاروانسرا سکونت داشته و زیر آوار مانده بودند، از زیر آوار خارج شدند. محمدعلی سالم بود، لکن زن و دو فرزند او در زیر آوار فوت کرده بودند. صبح دیروز از طریق شهربانی مراتب به دادسرا و پزشک قانونی اعلام و پس از انجام تشریفات قانونی اجازه دفن جنازه ها داده شد. موضوع تحت بررسی است.

چراغ سه فتیله ای کار دست علی اکبر داد!

مشهد؛ خبرنگار خراسان- مقارن ساعت ۲ صبح دیروز از بیمارستان دویست تختخوابی به کلانتری بخش ۳ اطلاع می دهند که شخصی موسوم به علی اکبر که در چهارراه سوم عشرت آباد سکونت دارد، بر اثر اصابت آتش، دست و پا و صورت نامبرده سوخته و او را جهت معالجه به بیمارستان آورده اند.

از طرف کلانتری مأموری به منظور تحقیقات به بیمارستان اعزام و در بازجویی از علی اکبر، وی اظهار داشته شب سه شنبه، آخر شب، برای گرم کردن کرسی چراغ سه فتیله ای را روشن و زیر کرسی گذاشته و به خواب رفتم. ساعت یک صبح احساس سوزش نمودم و دفعتاً متوجه شدم که بر اثر سرایت شعله آتش، کرسی و لحاف آتش گرفته و به بدن من هم سرایت کرده است.

در نتیجه داد و فریاد من، همسایه ها مطلع شدند و مرا نجات دادند و به بیمارستان آوردند.

مراسم انجمن پیروان قرآن در شب ولادت

مشهد؛ خبرنگار خراسان- طبق معمول سنواتی، اعضای انجمن پیروان قرآن، شب چهارشنبه که مصادف با میلاد با سعادت امام حسین (ع) بود، در حالی که تعداد زیادی چراغ با خود داشتند، ضمن خواندن سرودهای مذهبی، با صفوف منظم، به آستان قدس رضوی مشرف شدند.

نمای تاریخی

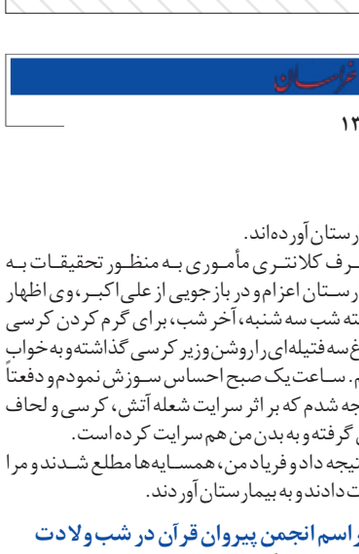

زلزله مشهد به روایت اسناد دوره صفویه. سال ۱۰۸۴ ق.

قصه‌های ناتمام

صالحی

مرور چهار دهه دغدغه‌مندی فرهنگی در گفت‌وگو با «حمیدرضا سهیلی»

مسئولان بهای صندلی فرهنگ را بپردازند

حمیدرضا، روز اول فروردین سال ۱۳۳۶ در خاک زرخیز تربت حیدریه به جمع خانواده سهیلی پیوست. پدرش طبع شاعرانگی و مدیحه‌سرایی داشت و مادرش هنر را می‌ستود. از میان سه برادرش، «سعید»، در عرصه فیلم‌سازی سرشناس شد، «علیرضا»، طبع شاعرانگی پدرش را به ارث برد و مسعود در جبهه عشق جنگید و «شهید» شد.

اما انتخاب «حمیدرضا سهیلی»، کارگردانی هنرهای نمایشی در مشهد بود که در این حوزه نیز دستاوردهای شایسته‌ای کسب کرد. البته بسیاری او را به عنوان مولف و روزنامه‌نگار می‌شناسند. انتشار کتاب جدید او با عنوان «وقتی که عشق شکوفه می‌دهد» بهانه گفت‌وگوی ما با این هنرمند شد:

داستان یک نویسنده

اولین جرقه‌های روشن خاطراتش، به همراهی پدر تا کتابفروشی یکی از دوستان و مرور همه مجلات در مدت یک ساعت ملاقات‌شان برمی‌گردد. او و سه برادر دیگرش در میان قفسه‌های کتابخانه فرهنگ و هنر شهر قد کشیدند و باعطر کتاب‌های نو و کهنه خو گرفتند. طوری که وقتی سال‌ها بعد، مسئول کتابخانه او را در جشنواره‌ای به عنوان داور مسابقه می‌بیند، می‌گوید: «تو همون خوره کتاب هستی؟!».

کم کم به پشتوانه علاقه وافرش به مطالعه احساس می‌کند که قلمش قوت گرفته و توانایی نوشتن دارد، بی‌آنکه آموزگار و آموزشی دیده باشد. خودش در این باره می‌گوید: یادم می‌آید ماجراهای پلیسی لاوسون، سامسون و ریچارد را در آثار نویسندگان داخلی و خارجی بسیار می‌خواندم. ششم دبستان بودم که معلم موضوع انشایی داد و من به جای آن، بر اساس پیش‌زمینه ذهنی، قصه‌ای جنایی نوشتم. معلم پرسید، از روی کدام مجله کپی کرده‌ای و من هم در جواب گفتم، خودم نوشتم. او عصبانی شد و مرا جریمه کرد تا بعد از کلاس بمانم و انشای دیگری بنویسم. آنچه نوشتم او را شگفت‌زده کرد. از آن به بعد او به مشوقی برای ادامه نویسندگی‌ام بدل شد.

در رشته مکانیک هنرستان فنی تقی‌آباد تحصیل کرده، دلیلش را که جویا می‌شوم، جواب جالبی می‌دهد: فکر می‌کردم چون نامش هنرستان است، پس در آن هنر آموزش می‌دهند؛ وقتی ثبت‌نام کردم، نامم را در میان قبولی‌های مکانیک دیدم. البته در این دوران هم معلمان خوبی داشتم که به من انگیزه می‌دادند تا بنویسم.

هرگز مشهد را ترک نخواهم کرد

سهیلی، احساس ناب اولین مطلب چاپ شده خود را چنین توصیف می‌کند: در سال ششم دبیرستان، معلم امور تربیتی داشتم که برای تهیه روزنامه دیواری به نام «برگ سبز» بسیار مشوقم بود. آن روزها، قصه‌ای به نام «دخترک کبریت فروش» نوشتم که به عنوان بهترین مطلب انتخاب شد و برنده اردوی راهسر شدم. اما نتوانستم در آن اردو شرکت کنم و او نوشته‌ام را در روزنامه «آفتاب شرق» به چاپ رساند. احساس آن روزم قابل وصف نیست. همین اتفاق، مقدمه‌ای می‌شود تا در ۱۸ سالگی وارد عالم رسانه شود.

او از اوایل دهه ۶۰ برای روزنامه خراسان دست به قلم می‌شود، آن ایامی که دفاتر روزنامه در خیابان‌های احمدآباد و خسروی قرار داشت. مدتی هم مسئول صفحه فرهنگ و هنر روزنامه بوده است. این کارگردان مطرح مشهدی، سابقه روزنامه‌نگاری‌اش را چنین بیان می‌کند: بعدها از روزنامه‌های پایتخت مانند کیهان و اطلاعات هم برای گرفتن مسئولیت یک صفحه پیشنهاد داشتم ولی هیچ وقت دوست نداشتم مشهد را ترک کنم.

قلمی که ماندگار شد

یکباره خط روایی زندگی‌اش را عوض می‌کند و گرم تعریف روزهای بعد از بازنشستگی می‌شود؛ «پس از بازنشستگی، بر آن شُدم دست نوشته‌هایم را چاپ کنم. اولین قصه‌ام با عنوان «دنیا را نگه دارید می‌خواهم پیاده شوم» در حوزه دفاع مقدس بود و در قالب کتاب «در حاشیه شط» که جمعی از نویسندگان مشهدی در آن داستان چاپ کرده بودند، در سال ۱۳۷۱ منتشر شد.»

اما نخستین تلاش مستقل ادبی وی، کتاب «صد سال تئاتر مشهد» است؛ پنج گانه‌ای وزین در باب یک سده حیات نمایشی مشهد. تاکنون سه جلد آن به زیور طبع آراسته شده و جلد چهارم در دست چاپ است. سهیلی، چهار مجموعه داستان هم با عطر و بوی رضوی و شفایافتگان حضرتش دارد. عرصه‌ای که بسیاری در آن دست به قلم شدند ولی به قول این هنرمند، قلم او با عنایت ثامن الحجج (ع) ماندگار شد. آخرین اثر او کتاب «وقتی عشق شکوفه می‌دهد» است که به تازگی منتشر شده. او چند فیلم‌نامه کوتاه و کار ادبی را در دست تالیف دارد که «وقتی که من مُردم»، «خاطرات زندان»، «صد سال تئاتر مشهد ۵» شماری از این آثار است. شخصیت‌نگاری تاریخ مشهد هم یکی دیگر از ایده‌های جدید سهیلی برای ثبت و ضبط تاریخ نمایش استان است.

ورود به عالم هنرهای نمایشی

یکی دیگر از علایق مشترک حمیدرضا و سه برادرش، رفتن به سینما فردوسی تربت حیدریه در صبح‌های آدینه بوده است. بعد از بازگشت از سینما، معرکه‌ای در کوی و محله خود به راه می‌انداختند. بر و بچه‌های محل را خبر می‌کردند، پرده منزل را می‌کشیدند و داستان‌ها را با شکل و شمایلی نو روایت می‌کردند و در قبال این تلاششان آدامس و شکلات جمع می‌کردند. سهیلی تعریف می‌کند: هر شب، قصه‌ای را با آب و تاب نقل می‌کردم و همیشه بخشی از روایت را برای شب بعد می‌گذاشتم تا تعلیق داستان‌سرایی را در مخاطبانم حفظ کنم.

وی از ماجرای ورودش به عرصه تئاتر هم این‌طور می‌گوید: روی تابلو اعلانات هنرستان، مطلبی درباره دوره نمایشی مرحوم اصغر میرخدیوی؛ از چهره‌های نام‌آشنای رادیو و تئاتر مشهد نوشته شده بود. پس از دادن تست، برای اولین بار با نمایشی به نام «چشمک» روی سن رفتم و بعد از ده‌ها بازیگری و بازیگردانی در این صحنه، «زن و یک خانه تنهایی» آخرین تلاش نمایشی من محسوب می‌شود.

مشهد پایتخت هنری کشور شود

این پیشکسوت تئاتر مشهد در ادامه با بیان دغدغه‌های فرهنگی خود، می‌گوید: هنرمندان مشهدی برای دل‌شان می‌نویسند و کارهای ارزشمند و قابل دفاعی هم به حوزه ادب و هنر این سرزمین ارائه داده‌اند که در زمره گنجینه‌های این سرزمین به حساب می‌آید اما شخصیت فرهنگی آن‌ها آن‌طور که باید شناخته نمی‌شود مگر این که به تهران مهاجرت کنند. خود من برای پخش آثارم دچار مشکل هستم و اغلب نمی‌توان به خاطر مشکلاتی که دامن‌گیر فضای چاپ و نشر کشورمان است، به آن نزدیک شد. اگر در سال ۲۰۱۷، به هنرمندان بومی بها داده شود، آثار ارزشمندتری تولید خواهد شد. در برخی کشورها مانند کره جنوبی یا مالزی، استانی به غیر از پایتخت سیاسی، مرکز هنری کشور محسوب می‌شود که مشهد با توجه به ظرفیتی که دارد، می‌تواند پایتخت هنری ایران نیز باشد.

سهیلی خاطرنشان می‌کند: هم هنرمندان و هم مسئولان باید قدر امکانات امروز را بدانند و در ارتقای آن‌ها بکوشند. حضور در سالن‌های نمایش باید جزو برنامه‌های کاری استاندار و فرماندار باشد و هزینه صندلی مخصوص مسئولان را بپردازند. خاصه در رویداد مشهد ۲۰۱۷، این جنس تولیدات را به تماشا بنشینند و از هنر و فرهنگ شهرشان عقب نمانند.

یادداشت روز

سعید برند

روسیاهی زلزله سفیدسنگ

زلزله ۶ ویک ریشتری سفیدسنگ که مشهد یا بهتر بگویم مشهدی ها را اهم حسابی لرزاند، اگر چه به خیر گذشت و تلفات بسیار سنگینی نداشت اما با یک روسیاهی توام بود که چه خوب می شود اگر بتوانیم از آن درس بگیریم و آن چیزی نیست جز نمره مردودی برای مواجهه با بحران!

***

هیچ اتفاق بغرنجی حداقل برای مشهد نیفتاده است، حتی در کانون زلزله هم خسارت بسیار سنگین جانی و مالی نداشته ایم که احتمالا به عمق زیاد زلزله مربوط می شود، هر چه بود فقط «وحشت» بود و «اضطراب» که با چاشنی شایعه لحظه به لحظه پر رنگ تر می شد! یک تکان خیلی شدید در ساعت ۱۰ و ۳۹ دقیقه روز چهارشنبه و یک تکان شدید در دقیقه ۳۷ بامداد روز پنج شنبه کافی بود که تمام شهر را بهم بریزد!

بالاشهر و پایین شهر فرقی نداشت، مالکان بافت فرسوده و ساختمان های تازه تاسیس نیز رفتار مشابهی داشتند، آنان که خودرو داشتند فوراً پتو به دست سوار بر خودروها شدند تا جایی در گوشه خیابان، شب را صبح کنند. آنان هم که خودرو نداشتند در هوای نسبتا سرد چهارشنبه شب، چادر نشین پارک ها، میدان ها و سوله های بحران شدند. چهارراه های شلوغ و چراغ های چشمک زنی که خودروها را در دل یکدیگر قفل کرده بود، تصویر مشترک بسیاری از خیابان های اصلی شهر بود.

عده ای بی آن که نیاز باشد طوری به جایگاه های عرضه بنزین هجوم برده بودند که با افزایش ۳۵ درصدی مصرف بنزین رکورد بیشترین روز مصرف در نوروز را هم شکستند! در این میان عده ای که گویی همه چیز را تمام شده می دیدند، تصمیم نهایی را گرفتند و از شهر فرار کردند!!

جالب تر این که به محض روشن شدن هوا، آن عده ای که در خودروهایشان مچاله شده بودند به منازل خود بازگشتند، گویی زلزله فقط شب کار است و حالا که خورشید بالا آمده دیگر قصد لرزاندن شهر را ندارد.

حتی شهردار مشهد هم اول صبح که هنوز بساط پتو و چادر شهروندان در گوشه و کنار شهر پهن بود، مرخصی گرفت و مشهد را به مقصد تهران ترک کرد!

رفتار عجیب و غریب برخی مردم نشان داد که به هیچ وجه آمادگی و دانش مواجهه با زلزله را نداریم. حتی دانش آموزان که هر از گاهی مانورهای به معنای واقعی مانور در مدارسشان برگزار می شود، به هنگام زلزله سراسیمه به بیرون از ساختمان فرار کردند! دانشگاه های مشهد و چند شهرستان هم که خیال خودشان را راحت کردند و روز بعد از زلزله را تعطیل رسمی اعلام کردند که از طریق دور کاری به تحقیق و پژوهش مشغول باشند! اما بی انصافی است که همه تقصیرها را متوجه رفتار مردم وحشت زده بیندازیم و نقش مسئولان شهر را نادیده بگیریم. واقعیت این است که مردم توقع دارند همان طور که مدیریت شهری برای افتتاح فاز اول خط ۲ قطار شهری به پخش برنامه زنده از شبکه خبر اقدام می کند و مدام این عملکرد خوب مدیریت شهری را به صورت زیرنویس برای شهروندان نمایش می دهد، در چنین شرایطی نیز از طریق رسانه های جمعی آموزش های لازم به شهروندان ارائه شود.

مردم باید مسئولان شهر را میان خود می دیدند، چه خوب بود اگر مردم از طریق بلندگوی بوستان ها صدای مسئولان ستاد بحران و مدیران شهر را بشنوند نه این که اطلاعات دریافتی شان از برخی کانال های تلگرامی باشد که جز شایعه چیز دیگری عایدشان نمی کرد و بر ترسشان می افزود.

به هر حال هر چه بود، این بار به خیر گذشت، اما چه کسی می تواند اطمینان بدهد که این شهر از خطر زلزله بعدی نیز در امان است، واقعا برای زلزله بعدی که معلوم نیست امشب باشد، سال دیگر باشد یا ده ها سال دیگر، شهر و آدم هایش چقدر آماده هستند؟!

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

هنرمندان و چهره‌های مختلفی در صفحات شخصی خود در شبکه‌های اجتماعی با آسیب‌دیدگان زلزله اخیر در منطقه سنگ سفید فریمان همدردی کردند. رامبد جوان، رضا کیانیان، رضا قوچان نژاد، سیدعلی صالحی، حجت اشرف‌زاده، برزو ارجمند و... برای خراسانی‌ها آرزوی سلامتی کردند.

آواز بهار - پارک ملی تندوره

برزو ارجمند با به اشتراک گذاشتن این عکس، تولد مهران مدیری را به او تبریک گفت.

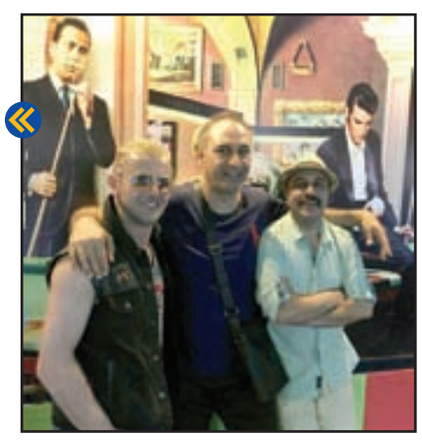

امین حیایی با انتشار عکسی از خود در کنار رضا عطاران و حمید فرخ‌نژاد از پیوستنش به فیلم جدید عبدالرضا کاهانی که در کشور تایلند در حال ساخت است، خبر داد.

تصویری از گریم جالب علی مسعودی

کارلوس کی روش هم به زلزله اخیر در خراسان رضوی این طور واکنش نشان داد: دعاهای ما برای فردی که (در این حادثه) درگذشت و افکارمان همراه همه آن‌هایی [است] که به واسطه این اتفاق تلخ در رنج هستند.